فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، دوره ۱۸، شماره ۴، تابستان ۱۴۰۳، صفحات ۳۲۸-۳۰۹

تحلیل جامعه‌شناختی قواعد حاکم بر کیفر تعزیری با تأکید بر احکام جنایی در سال ۱۳۹۹

الهام قمی[۱]، دکتر پرویز ذکائیان[۲]، دکتر علی قربانی[۳]

تاریخ وصول: ۱۴۰۳/۲/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۴/۲۴

چکیده:

تعزیرات یکی از انواع چهارگانه مجازات در حقوق کیفری اسلام است. تعزیرات به دلیل این که به موضوعات مختلف اجتماعی سرایت می‌کند، همواره محل بحث و بررسی است. از مهم‌ترین دستاوردهای نوین در راستای کاهش زیانبار کیفر حبس بر اجتماع در دو وجه کاهش و جایگزینی مجازات حبس تغییراتی در قانون در سال ۱۳۹۹ تصویب شد. این تحقیق با روش توصیفی ـ تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به این نتیجه دست یافته است که قانون کاهش ۱۳۹۹ در بحث اعمال ارفاقات کیفری با دیگر قوانین، دارای راهبرد مشخص و هماهنگ در سیاست تقنینی ایران نیست و از این لحاظ برای اعمال این ارفاقات به لحاظ ساختاری، نرم‌افزاری و سخت‌افزاری دارای اشکالات و موانعی است اما با اعمال این ارفاقات این قانون اثرات ملموسی در کاهش جمعیت کیفری فعلی و احکام بعدی پدید می‌آید که بسیاری از اثرات زیانبار اجتماعی کیفر تعزیری برای فرد، خانواده و اجتماع را مرتفع می‌کند.

مفاهیم کلیدی: *کیفر تعزیری، قواعد حاکم، کیفرزدایی، قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹*

---

[۱] دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران elham.ghomi67@gmail.com

[۲] استادیار گروه حقوق، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران (نویسنده مسئول) pzokaiyan59@gmail.com

[۳] استادیار گروه حقوق، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران agt1350@gmail.com

مقدمه و بیان مسأله

نگرش جامعه‌شناختی بر اساس نتایج اعمال مجازات حبس، این ضرورت را نشان می‌دهد که جامعه دیگر قادر برای تحمل بارهای زیان‌آورِ باز بودن درهای زندان بر روی عامه مردم به‌ویژه افراد فقیر، بزهکاران خُرد و نوجوانان و جوانان نیست. آموزش و تولید جرم، هدر رفتن منابع مادی و معنوی جامعه، فروپاشی خانواده‌ها، تشدید فقر و شکاف طبقاتی از جمله دلایلی هستند که توسعه و گسترش زندان را نامعقول می‌نمایند. مطالعات جرم‌شناسی و کیفرشناسی نشان می‌دهند که تمام اصلاحاتی که در رژیم زندانها در دو سده گذشته متأثر از جنبش اصلاح نظام زندان‌ها صورت گرفته و به بهبود نسبی شرایط فیزیکی زندان منجر شده است، نتایج مثبت، سودمند و مؤثّری بر بازپذیری اجتماعی مجرمان و پیشگیری از ارتکاب جرم نداشته است (*Ashouri, 1997:7*). در این راستا، قانونگذار ایرانی نیز با اندکی تأخیر، با وضع قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و اختصاص فصول پنجم تا نهم آن به مجازات‌های جایگزین حبس (*Hosseini Nik, 2015:7*)، به پیروی از سیاست‌های کلی نظام و الهام از آموزه‌های جدید، در صدد اصلاح و درمان مجرمان، باز اجتماعی کردن آنها و نیز پرهیز از اندیشه و تدابیر سزادهی و سرکوبگری صرف برآمده است. اصل مهم در تخفیف و اعمال ارفاق در کاهش و تخفیف یا جایگزینی مجازات حبس کم کردن اثرات زیانبار اجتماعی این کیفرهاست زیرا «تخفیف مجازات یکی از ابزارهای مؤثر جنایی در راستای اجرای اصل فردی کردن مجازات اثربخشی بیشتر آن و نیل به اهداف اصلاحی و درمانی مجازات محسوب می‌شود» (*Fallahi, 2018:120*). با توجه به معایب زیاد مجازات حبس و طبق تحقیق و مطالعات بسیار انجام شده هدف اصلاحی کیفر را تأمین نمی‌کند و به تبع آن سبب افزایش جمعیت کیفری و تبدیل این موضوع به معضلی اجتماعی برای فرد، خانواده و اجتماع شده است (*Jafari, 2017:12*)، تأکید شده است که مجازات حبس دارای آثار منفی است که برای مرتکب جرم، خانواده و حتی جامعه آسیب‌زا است و منافع آن کمتر از هزینه‌های آن است. در این راستا، در سال‌های اخیر در کشورمان، تأکید بر سیاست حبس‌زدایی شده و با تأکید بر سیاست تقنینی، این نهادهای ارفاقی که ناشی از عدالت ترمیمی و حداقلی در حقوق جزا هستند، با اعمال قانون کاهش مجازات حبس تعزیری سال ۱۳۹۹، تغییرات چشمگیری داشته‌اند. این تغییرات شامل به‌روزرسانی و گسترش چندین ماده از قانون جدید، از جمله تغییرات در تعاریف، اختیارات و مسئولیت‌های قضات برای کاهش مجازات حبس برای بسیاری از جرایم، به‌ویژه جرایم تعزیری می‌شود. این تغییرات منجر به تقلیل درجه مجازات

در برخی جرایم و افزایش دامنه اعمال نهادهای ارفاقی شده است. بنابراین، این بحث اهمیت زیادی دارد و باید مورد بررسی دقیق قرار گیرد تا تأثیرات آنها بر جامعه مشخص شود.

در دو دهه اخیر سیاست‌گذاری قوه قضاییه در جهت توجه به کاهش آثار زیانبار اجتماعی کیفرهای تعزیری است که به همین دلیل به استفاده گسترده از مجازات زندان در جرائم کم اهمیت مخالفت می‌کند. در سند تحول قوه قضاییه کاهش جمعیت کیفری به‌عنوان برنامه‌ای راهبردی مورد تأکید است. در این زمینه در ۱۳۹۸/۸/۱۳ مجلس شورای اسلامی به دو فوریت طرحی رأی داد که در قالب یک ماده واحده میزات مجازات حبس کلیه جرائم تعزیری به نصف تقلیل و دامنه شمول و شرایط اعمال برخی ارفاقات کیفری را تغییر داد و قانون پس از برخی اصلاحات در تاریخ ۱۳۹۹/۳/۷ به تأیید شورای نگهبان رسید. در این مقاله با توجه به تأثیرات جامعه‌شناختی این قانون به چالش‌ها و توفیقات آن در خصوص سیاست تقنینی در ارفاقات کیفرهای تعزیری پرداخته شود. بر اساس قانون کاهش مجازات حبس تعزیری که در سال ۱۳۹۹ تصویب شده است قانونگذار حمایت کیفری بصورت مجازات‌های حبس را کاهش داده است. در این‌باره قانونگذار در ماده ۱۱ همین قانون با افزایش جرائم قابل گذشت از ۲۲ جرم به ۵۹ جرم کاهش و تقلیل حداقل و حداکثر مجازات حبس تعزیری درجه چهار تا درجه هشت مقرر در قانون برای جرائم قابل گذشت به نصف نشان می‌دهد که جهت‌گیری سیاست جنایی تقنینی در مسیر کاهش جرم‌انگاری بصورت حبس تعزیری است. در این زمینه در این تحقیق با تحلیل جامعه‌شناختی قواعد حاکم بر کیفر تعزیری از جمله آموزش جرم در زندان، تولید مجرم، هدر رفتن منابع مادی و معنوی و فروپاشی خانواده‌ها و تشدید فقر و شکاف طبقاتی به قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در سال ۱۳۹۹ پرداخته می‌شود. در این‌باره به برخی از اشکالات نظیر توجه صرف به کاهش جمعیت کیفری و عناصر مثبت نظیر توجه به توسعه اجتماعی در کیفر تعزیر در قانون اخیر توجه می‌شود. اهداف این تحقیق بررسی تأثیرات اجتماعی کاهش کیفر تعزیری بر خانواده و جامعه است و از این منظر به موضوع نتایج اعمال مجازات حبس بر اساس احکام جنایی در سال ۱۳۹۹ می‌پردازد. مسئله تحقیق این است که با توجه به قانون کاهش مجازات کیفر تعزیری از لحاظ اجتماعی چه تأثیراتی بر مادران زندانی، خانواده و مطلوب پنداری قانون می‌توان متصور شد؟

پیشینه پژوهش

در خصوص پیشینه نظری موضوع این تحقیق و مربوط به «تأثیرات اجتماعی» و «کاهش کیفر تعزیری»، آثار متنوعی در قالب کتاب، مقاله و پایان‌نامه تهیه شده است.

جدول ۱: پیشینه داخلی و خارجی پژوهش

***Table 1:** Domestic and Foreign Research Background*

نویسنده	نتایج
Author	*Results*
شاطری‌پور اصفهانی و سراوانی (۱۳۹۹)	نویسنده با پرداختن به ابعاد منفی مختلف این نوع از مجازات با توجه به اسناد و قوانین بالادستی تأکید بر سیاست حبس‌زدایی نموده که در مرحله قانون‌گذاری به خوبی بروز و ظهور نیافته است و از نظر مؤلف با وجود پیش‌بینی نهادهای ارفاقی در قانون مجازات اسلامی، برخی مقررات مانع اجرای موفق این سیاست و در برخی موارد در مغایرت با آن بوده‌اند
سلمانی (۱۳۹۶)	در پایان‌نامه خود رویکرد جدید مقنن در قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی جدید در استفاده از موضوعاتی در قوانین جزایی دیگر کشورها در معرفی اشکال جدید نهادهای ارفاقی و اثر آن برای حل مشکلات ناشی از افزایش جمعیت کیفری و ناتوانی مجازات حبس در پیشگیری از جرم بررسی شده است
محمودی (۱۳۹۸)	در تحقیقی با پرداختن به سیاست جنایی متناسب با هدف اصلاح و بازگرداندن مجرم به محیط جامعه و با الهام از سیاست جنایی اسلامی تأکید بر روش‌های غیر کیفری می‌شود و نهاد ارفاقی کیفری تعویق پدور حکم را برای جرایم تعزیری درجه ۶ تا ۳ و نیز برای تمام جرایم تعزیری مربوط به نوجوانان به دو صورت ساده و مراقبتی برای پیشگیری از جرم مؤثر دانسته است که این موضوع در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ایران را متأثر از نظام حقوقی فرانسه می‌داند
سمندری (۱۳۹۷)	در این کتاب نویسنده ضمن پرداختن به جایگاه حبس در فقه و حقوق ایران و ارائه تعاریف و برخی تحقیقات انجام گرفته و برخی نهادهای ارفاقی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تبیین نموده است و به بیان تعریف و خصوصیات تعلیق اجرای مجازات و همچنین بر مجازات‌های جایگزین حبس با ذکر معایب و ضرورت ممنوعیت ویژگی شرایط و محدوده اعمال و انواع آن تأکید نموده است و از نظر فقهی نیز جایگاه زندان در مجازات‌های شرعی را جزو تعزیرات و تغییر میزان آن را جایز دانسته و استفاده از نهادهای ارفاقی همچون آزادی مشروط عفو تخفیف در اثر توبه و تبدیل به جزای نقدی را برخلاف حدود ممکن دانسته است

نویسنده	نتایج
Author	*Results*
علی‌نسب و بنی‌نعمیه (۱۴۰۱)	قانون‌گذار بدون منطق یکسان و به‌طور بی‌ضابطه اقدام به کاهش حبس تعزیری در ابعاد مختلف نموده است و اینکه جرایم علیه امنیت از قبیل سرقت و یا جرایم خشونت‌آمیز از قبیل آدم‌ربایی موضوع ارفاق قانون‌گذار قرار گیرند خود نوعی از بین رفتن قدرت و قاطعیت و بازدارندگی قانون در جامعه است و لطمات جبران‌ناپذیری را به جامعه وارد خواهد ساخت و به همین موازات پیشنهاد اصلاح سریع قانون و حذف ارفاق‌های بدون منطق در جرایم مهم از این قانون ارائه خواهد شد. مضافاً اینکه رویه قضایی و احکام دادگاه‌ها نشانگر آن است که به‌عنوان مثال جرایم مهمی از جمله سرقت با گذشت شاکی به راحتی مختومه می‌شوند و این امر باعث خواهد شد که احکام دادگاه‌ها و دادسراهای جنایی نیز در مبارزه با جرایم از بازدارندگی اندکی برخوردار باشند
زینلی و میرزاجانی (۱۴۰۱)	در عین حال بررسی کامل قانون یاد شده در زمینه حبس‌زدایی نشانگر وجود برخی ایرادات و نارسایی‌های تقنینی به مانند عدم ارائه معیار و ضابطه جهت تشخیص جرایم مشابه، بی‌دقتی‌های تقنینی، وجود تعارضات مشهود در مواد قانونی اصلاحی با برخی مواد دیگر، عدم بهره‌مندی از ظرفیت توسعه نهادهای ارفاقی کاربردی و نیز عدم توجه به کارکرد بازدارندگی مجازات است که لازم است مورد توجه قانونگذار قرار گیرد
آوستین (۱۹۸۹)	آزادی پیش از موعد احتمال بازداشت مجدّد و بازگشت به زندان به دلیل تکرار جرم را در مقایسه با گروهی که مدّت زندان خود را به‌طور کامل طی کرده‌اند، افزایش نمی‌دهد. نرخ فعلی جرایم ارتکابی آزادشدگان پیش از موعد در مقایسه با نرخ جرایم ارتکابی کسانی که مدّت کامل محکومیّت خود را طبق سوابق موجود در زندان ایلی نویز طی کرده بودند، نسبتاً خیلی کمتر بوده است. نتیجه دیگر این بوده است که آزادی پیش از موعد به‌طور کلّی بر کاهش هزینه زندان مؤثر است. آوستین استدلال می‌کند که خطر تهدید اجتماع از طریق آزادی پیش از موعد بزهکاران ممکن است با شناسایی و آزادی مجرمانی که کمتر خطرناک هستند کاهش یابد

نویسنده	نتایج
Author	*Results*
کرادول (۱۹۵۱)	تعلیق مراقبتی یک روش مؤثر درمان اجتماعی است، زیرا ۷۷ درصد از بزهکاران با موفقیت مقررات تعلیق مراقبتی را رعایت کرده و دوباره مرتکب جرم نشده‌اند
کرو (۲۰۰۱)	بی‌گمان آزادی مشروط یکی از دستاوردهای مهمّ مکتب تحقّقی است. در برخی از کشورها این نوع نظارت در مورد مجرمان جرایم جنسی، مرتکبان جرم قتل عمد و جرایم علیه اشخاص اِعمال می‌شود

ادبیات نظری پژوهش

- *قواعد حاکم بر کیفر تعزیری*

در سال ۱۳۹۹ قانون کاهش مجازات، برخی جرایم تعزیری را به گسترش دامنه شمول کیفری نهادهای ارفاقی، مانند تعلیق مجازات و نظام نیمه آزادی و جایگزین‌های حبس، معطوف کرد. این قانون با افزایش میزان جرایم قابل گذشت و برخی ابهامات مرتبط با شروع جرم و معاونت را بر طرف کرد. همچنین، با ارایه تغییرات در مقررات تکرار جرم، در زمینه کاهش تشدید مجازات، گام‌های مهمی برداشت. این تغییرات در مجلس تصویب شد اما مورد انتقادات مجتمع حقوقی و مجریان قضایی قرار گرفت. اگر چه در برخی موارد، مجازات‌های تعزیری درجه ۷ و ۸ افزایش یافت، اما به طور کلی، می‌توان گفت که اصلاحات جدید نسبت به قانون پیشین اخف‌تر شده و به محکومین و مرتکبان شرایط مساعدتری فراهم آورده است.

- *تبدیل مجازات*

بر طبق اصلاحات قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ۱۳۹۹ در بند ت ماده ۱، برای مجازات جرم تخریب موضوع ماده ۶۷۷ قانون، با تفاوت قایل شدن در نوع مجازات بسته به میزان خسارت وارده در اثر تخریب و تعیین عدد یکصد میلیون ریال به‌عنوان مبنا، برای تخریب با خسارت کمتر از این مقدار جزای نقدی تا دو برابر خسارت وارده تعیین شده و مجازات حبس برای این مقدار خسارت حذف گردیده در حالی که حبس جرم تخریب که قبلاً ۶ ماه تا ۳ سال بود با قابل گذشت اعلام شدن این جرم طبق ماده ۱۱ قانون کاهش و البته برای تخریب با خسارت به ارزش بیشتر از یکصد میلیون ریال به مقدار نصف یعنی ۳ ماه تا یک و نیم سال حبس تقلیل یافته است.

در بند «ج» ماده ۱ قانون کاهش برای جرایم توهین ساده و افترا موضوع مواد ۶۰۸ و ۶۹۷ ق.م.ا. بدون تعیین مجازات حبس صرفاً جزای نقدی درجه شش یعنی از۲۰ تا۸۰ میلیون ریال تعیین شده است و با توجه به اینکه در بند «ج» ماده ۱ از تبدیل مجازات در این دو ماده به جزای نقدی یاد شده، یعنی مجازات شلاق طبق قانون قبلی نیز برای این جرایم حذف شده‌اند و می‌توان گفت در این قسمت قانون کاهش ۱۳۹۹ نه تنها کاهش مجازات حبس تعزیری بلکه حذف یا تبدیل مجازات شلاق را نیز در بر دارد.

- تقلیل مجازات

طبق ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ تقلیل مجازات تعزیری به شرط وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف و با اختیار و تشخیص دادگاه به شکل مساعدتر برای متهم، انجام دهد. هر چند در این ماده بجز تقلیل مجازات به تبدیل نیز تصریح شده است و اصولاً تبدیل نیاز به شرط مساعدتر بودن به حال متهم را دارا می باشد، وگرنه تقلیل مجازات که قطعاً خوشایند و مساعد برای متهم است و نیازی به ذکر این شرط نمی‌بود، ولیکن با اصلاح این ایراد در ماده ۶ قانون کاهش و افزودن کلمه تبدیل در کنار تقلیل، میزان این تخفیفات نیز افزایش یافت

الف) تقلیل مجازات حبس به میزان یک تا سه درجه در مجازات‌های درجه چهار و بالاتر.

ب) تقلیل مجازات حبس درجه پنج و درجه شش به میزان یک تا دو درجه یا تبدیل این مجازات و مجازات حبس درجه هفت حسب مورد به جزای نقدی متناسب با همان درجه.

پ) تبدیل مصادره کل اموال به جزای نقدی درجه یک تا چهار.

ت) تقلیل انفصال دائم به انفصال موقت به میزان پنج تا پانزده سال.

ث) تقلیل سایر مجازات‌های تعزیری به میزان یک یا دو درجه یا تبدیل آن به مجازات دیگر از همان درجه یا یک درجه پایین‌تر.

در بند الف و ب این ماده اصلاحی برای تقلیل مجازات حبس‌های ۵ و ۶ تنها تا ۲درجه کاهش را قرار داده و برای حبس‌های درجه ۱ تا۴ میزان کاهش تا ۳ درجه‌ای تعیین و برای حبس درجه ۷ بدون کاهش، تبدیل به جزای نقدی همان درجه تعیین شده و عملاً حبس درجه ۸ که به‌طور خودکار به جایگزین حبس تبدیل می‌گردد نیازی به ذکر آن دیده نشده است، البته دو بند پ و ت تغییری نکرده است و تبصره‌ای مهم به این ماده الحاق شده که طبق آن در صورت رسیدن مجازات حبس در اثر اعمال تخفیف به مقدار کمتر از ۹۱ روز،

اجازه و به نوعی تکلیف به جایگزینی حبس نموده است در حالیکه در قانون سابق و رویه قضایی این عمل ممنوع بود.

- تعلیق مجازات

در فصل هفتم بخش دوم قانون مجازات اسلامی مصوب۱۳۹۲و در ماده ۵۶، نظام نیمه آزادی در ماده ۵۶ قانون مجازات اسلامی۹۲ روشی بیان شده که فرد محکوم در همان زمان سپری نمودن مجازات حبس امکان انجام برخی فعالیت‌ها در خارج زندان و البته با نظارت مستمر را دارد. این فعالیت‌ها متنوع و شامل آموزش، فعالیت‌های درمانی، حرفه‌آموزی و ... می‌باشد که هر چند این موارد به‌طور تمثیلی در قانون ذکر شده لیکن با قید کلمه و نظایر آن می‌توان گفت که فعالیت‌های دیگر مشابه با موارد مذکور در این ماده باید باشد و نه هر فعالیت دیگری مانند تجارت یا کارگری و ... در خارج زندان. فعالیت‌ها مورد نظر در این ماده زیر نظر مراکز نیمه آزادی تأسیس شده در سازمان زندان‌ها و قدامات تأمینی و تربیتی انجام می‌پذیرد. از شرایط اعمال نهاد نظام نیمه آزادی طبق ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی ۹۲ حبس‌های تعزیری درجه ۵ تا ۷ و البته با رعایت شرایط دیگری بود ولی طبق ماده۸ قانون کاهش ۹۹ با تبصره الحاقی به ماده ۵۷ اعمال این نهاد ارفاقی را برای حبس‌های درجه ۲، ۳، ۴ نیز به شرط گذراندن یک چهارم مدت حبس توسط محکوم نیز ممکن دانسته است. این تعلیق ممکن است به شکل ساده یا مراقبتی و ویژه باشد. تعلیق مراقبتی در مقیاس امروزی آن، بر پایه‌ها و مبانی فلسفه بازپروری، بازدارندگی و عدالت استوار شده است (*Champion, 1988: 40*).

قابل ذکر است که موضوعات در قانون جدید تخفیف مجازات ۱۳۹۹ بسیار گسترده است و البته نظام حقوق کیفری را نیز دستخوش تغییرات اساسی کرده است به طوریکه با وجود ظاهر کوچک قانون کاهش ولی در واقع بسیار پر کاربرد می‌باشد و از جمله مباحثی در خصوص تعلیق مجازات‌ها در رابطه با جرائم قابل گذشت و غیر قابل گذشت است. موضوع اول در خصوص قانون مجازات است که اصلاح شده و در بخش کلاهبرداری می‌باشد. ما می‌دانیم که بر اساس آموخته‌های حقوقی کلاهبرداری اصولا جرمی غیر قابل گذشت است و جنبه عمومی دارد نیاز به شکایت شاکی خصوصی نداشته و بدون وجود شاکی هم مدعی‌العموم و دادستان می‌تواند اقدام به اعلام جرم بنماید و موضوع را پیگیری بکند.

در این قانون کلاهبرداری زیر ۱۰۰ میلیون تومان جرم قابل گذشت است به این ترتیب که شخص اگر به‌صورت کلاهبرداری مال افراد را برده و شاکی خصوصی داشته باشد و شکات

خصوصی رضایت بدهند پرونده با قرار موقوفی تعقیب به علت گذشت شاکی خصوصی بسته خواهد شد. نوع دیگر در این قانون به جعل و استفاده از سند مجعول اشاره می‌کند. در آموخته‌های حقوقی بیان می‌شود که جعل اساس نظم یک جامعه را بر هم می‌زند. جعل کردن یک سمت باعث به هم ریختن نظم اجتماعی و به همین دلیل جرمی غیر قابل گذشت است ولی در قانون کاهش این جرم جزو جرایم قابل گذشت قلمداد شده و گذشت شاکی باعث بسته شدن پرونده خواهد شد.

نکته مهم دیگر قانون قابل گذشت بودن مجازات حبس سارقین است طلاق این قانون ارزش مالی که به سرقت رفته می‌آید زیر ۲۰ میلیون تومان بوده و در این حالت هم با رضایت شاکی پرونده سرقت بسته خواهد شد یعنی معیار قابل گذشت بودن یا نبودن جرم به ارزش مال مسروقه وابسته است.

- نظارت با سامانه‌های الکترونیکی

این نهاد ارفاقی کیفری با هدف کاهش دادن تورم زندانیان و صرفه‌جویی در هزینه نگهداری محبوسین و البته به منظور کاهش آثار سوء زندان بر خانواده و روابط اجتماعی مجرمان توسط قانون‌گذار به‌عنوان یکی از جایگزین‌های حبس در قانون پیش‌بینی شده است.

هر چند فشار عمومی برای حمایت از اجتماع در مقابل بزهکاران رو به افزایش است، ولی از طرف دیگر، کنترل بودجه عمومی در رابطه با اصلاح مجرمان نیز حائز اهمیت و قابل توجه است. یکی از ابزارهایی که می‌تواند دستیابی به این مهم، یعنی کنترل بودجه را مقدور سازد، استفاده از جایگزین های مجازات حبس است (*Ashouri, 2006:402*).

کنترل محکومان به حبس‌های خانگی، کنترل محکومان آزاد شده از رهگذر تعلیق آزمایشی و نظارت الکترونیکی می‌تواند آثار مخرب و زیانبار حبس‌های به‌ویژه کوتاه‌مدت را به حداقل ممکن کاهش دهد. نظارت الکترونیکی در مورد مجرمان غیر خشن اجرا می‌شود (*Tadayon, 2008:61*). در این روش حضور و غیاب محکوم از راه دور و در محدوده جغرافیای که توسط قاضی اجرای احکام تعیین نموده با ردیابی الکترونیکی تحت نظارت و کنترل قرار می‌گیرد. در اجرای این شیوه با کمک یک دستگاه الکترونیکی که معمولاً به مچ پای محکوم و زیر لباس او نصب می‌شود و به‌صورت امواج ردیاب می‌توان موقعیت وی را کنترل نمود و برای او محدوده مجاز مکانی مشخصی در خارج زندان تعریف نمود. البته در اجرای این شیوه باید کرامت، تمامیت و زندگی خصوصی اشخاص رعایت شود. یکی از تأثیرات قانون کاهش حبس تعزیری تغییر در نظارت با سامانه‌های الکترونیکی می‌باشد. در برخی از

نظام‌های حقوقی از نظارت الکترونیکی همچون مجازاتی مستقل برای برخی از جرایم نظیر جرایم مربوط به مواد مخدر و جرایم راهنمایی و رانندگی استفاده می‌شود (*Nellie, 1991: 165*).

در ماده۶۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ برای جرایم تعزیری درجه ۵ تا ۸، با وجود همان شرایط تعویق مراقبتی به دادگاه اختیار داده شده تا به شرط رضایت خود محکوم در یک محدوده مجاز جغرافیایی مشخص تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی قرار داده شود. یعنی طبق قانون سابق امکان استفاده محکومان به حبس‌های درجه۲ تا ۴ وجود نداشت ولیکن طبق ماده ۹ قانون کاهش ۹۹ و تبصره‌های الحاقی به ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی مصوب۱۳۹۲، در صورت گذراندن یک چهارم دوره حبس برای درجه‌های ۲ تا ۴ نیز با وجود سایر شرایط امکان استفاده از این نهاد ارفاقی داده شده است. البته در تبصره ۳ الحاقی به این ماده برای افزایش ظرفیت و امکان استفاده از این نهاد، اجازه استفاده و مشارکت بخش خصوصی در این خصوص با نظارت سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی نیز به قوه قضاییه داده شده است.

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق کتابخانه‌ای و نظریات که با استفاده از ابزار کتاب و مقاله و نیز مراجعه به پایگاه‌های اینترنتی و به وسیله فیش‌برداری صورت می‌گیرد. این تحقیق به‌صورت توصیفی و تحلیلی و نظری انجام می‌شود.

یافته‌های پژوهش

تأثیرات اجتماعی کاهش کیفرهای تعزیری

واکنش اجتماعی درباره پدیده مجرمانه، تنظیم روابط اجتماعی و حفظ ارزش‌های حاکم بر روابط اجتماعی است که این موضوع به مجازات در برابر افراد هنجارشکن تعبیر می‌شود. در این میان مجازات حبس در سال‌های اخیر دارای برخی پیامدهای زیانبار اجتماعی برای مرتکب جرم، خانواده و اجتماع است زیرا سبب عدم بازدارندگی مناسب، هزینه‌های بالای زندان، حرفه‌ای شدن زندانیان و فشار بر خانواده زندانیان شده است و با ارائه پیشنهاداتی سعی در کاهش استفاده از این مجازات دارد (*Keramati & Abdollahi, 2017:119*). با اصلاح قوانین و پدید آمدن قانون کاهش مجازات زندانیان بسیاری از زندان‌ها آزاد خواهند شد و از آثار زیانبار حبس در بسیاری از حوزه‌های اجتماعی مانند فروپاشی کانون خانواده، سلب

حق کار و فعالیت زندانی و به تبع آن سلب حق بهره‌مندی اجتماع از بازدهی اجتماعی و اقتصادی او، بی‌سرپرستی اعضای خانواده بزهکار در مدت حبس کاسته خواهد شد. کیفرشناسان معتقدند منافع مجازات حبس به‌خصوص حبس‌های کوتاه‌مدت کمتر از زیان‌ها و هزینه‌ها است و امکان اصلاح مرتکب کمتر است (*Finkeldey & Dennison, 2020: 56*). این امر در کشورهای توسعه‌یافته موجب گردیده قانونگذار به جای استفاده از مجازات حبس در جرایم غیر سنگین از مجازات کم‌هزینه و پرفایده و اصلاح‌پذیر تحت عنوان مجازات جایگزین حبس از قبیل اجبار به خدمات اجتماعی رایگان یا محرومیت از حقوق اجتماعی یا پرداخت جزای نقدی استفاده کنند (*Tonry, 2002: 551*).

در قانون کاهش ۱۳۹۹ با نصف شدن مجازات حداقل و حداکثر جرایم تعزیری، جمعیت زندانیان به دلیل جرایم متعدد کاهش یافته است. با این تغییرات، حبس‌های کوتاه‌مدت قابل جایگزینی شده و بوجود آمدن موارد بیشتری از جرایم تعزیری باعث اتمام سریع‌تر مجازات و آزادی زندانیان شده است. به‌طور مثال، مجازات جرم خیانت در امانت که قبلاً از ۶ ماه تا ۳ سال بود، حالا به ۳ ماه تا ۱/۵ سال تغییر یافته است. همچنین، برخی مجازات‌ها برای جرایم خاص مانند ضرب و جرح عمدی، آدم‌ربایی، توهین به اشخاص عادی و افترا نیز به جزای نقدی تغییر یافته و مجازات حبس بیش از ۲۵ سال برای جرایمی که دارای حبس ابدی بودند، تعیین شده است.

البته این رویه مورد اعتراض برخی از حقوقدانان شده است به ویژه در مورد تصویب ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری که جرایم قابل گذشت را افزایش داده و این توسعه بی‌رویه را از جهات زیر قابل نقد می‌دانند:

کاهش مجازات این‌گونه جرایم، انگیزه جهت توافق با بزه دیده و جبران خسارت او را کاهش می‌دهد. عملاً تعداد زیادی از پرونده‌های مهم تشکیل شده در دستگاه قضایی مانند کلاهبرداری، انتقال مال غیر، خیانت در امانت، سوء استفاده از سفید امضا و حتی جرایم علیه آسایش عمومی جامعه مانند جرم جعل و استفاده از سند مجعول قابل گذشت محسوب میشوند که این رویه قانونگذار قابل انتقاد می نماید، چراکه بزهکار می تواند پس از ارتکاب بزه در صورت پیگیری شاکی و موفقیت وی در اخذ حکم محکومیت، با پرداخت خسارت وی و اخذ رضایت او، از اجرای مجازات می‌گریزند و واهمه‌ای از بزه دیدگانی که به هر علت اقدام به طرح شکایت نمی‌کنند یا از عهده اثبات شکایت خود بر نمی‌آیند، نخواهند داشت.

با کاهش میزان مجازات، مدت کوتاه‌تری جهت شمول مرور زمان خواهیم داشت. از آنجایی که کیفر بزهکاران از حقوق جامعه است و این حق نباید به دلیل کوتاهی و ناکارآمدی

مراجع قضایی مشمول مرور زمان شود از این رو تعیین مهلت متعارف و متناسب جهت شمول مرور زمان لازم است. از آنجایی که در بسیاری از جرایم مهم، مرتکب با تطمیع بزه دیده و وعده و وعید به وی عم طرح شکایت کیفری را به عقب می‌اندازد، تعیین مرور زمان یک ساله طرح شکایت در راستای ماده ۱۰۶ قانون مجازات اسلامی، باعث تضییع حقوق و اجحاف در حق بزه دیده است (*Ardebili, 2014:249*).

تأثیر اجتماعی کاهش کیفر تعزیری مادران زندانی

بر اساس حکم ماده ۵۰ آیین نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور موضوع مواد ۵۲۰ و ۵۲۸ قانون دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مادران زندانی حق نگهداری طفل شیرخوار خود را تا سن دو سالگی دارند. محکومیت این مادران به شکل بارزی نشان‌دهنده اشکال در اصل شخصی بودن مجازات و پدید آورنده معضلات اجتماعی این نوع از احکام است زیرا فرزند به سرنوشت کیفری مادر دچار می شود زیرا واقعیت غیر قابل انکار نیاز کودک به مادر بر اساس دلبستگی است و نظام عدالت کیفری نیز سعی دارد تا از محرومیت کودک از مادر ممانعت کند. اما عوارض ناایمنی در دلبستگی دارای اختلالات اجتماعی در کودک می شود که مهم‌ترین آنها احتمال هویت پراکنده در دوره نوجوانی (*Barak, 2017:215*) و بالا رفتن احتمال طلاق در بزرگسالی (*Ghaemi, 1987:211*) و بی اعتمادی به دیگران (*Farnoush & et. al, 2016:50*) است.

کودکان یک تا سه ساله، در مواجهه با دومین بحران زندگی، بین وابستگی به مادر و خودمختاری می‌افتند که این می‌تواند باعث شک و تردید آن‌ها شود. طبق دیدگاه مونتسوری، طبیعت برای کودکان اهمیت بیشتری دارد تا برای بزرگسالان؛ این ارتباط با طبیعت می‌تواند آینده‌نگری، صبوری و احساس مسئولیت را در کودکان تقویت کند. بهترین روش برای رشد و توسعه کودکان، فراهم کردن یک محیط آزاد و ایمن برای آنان است تا بتوانند تجربه‌های ضروری خود را کسب کنند. در نتیجه، خیانت به احساس امنیت مادری و خارج شدن از حوزه بی‌پناهی کودک، نه تنها توصیه‌ای مناسب نیست بلکه ممکن است نیازهای اساسی کودکان را نادیده بگیرد (*Seyf & et. al, 1991:118*) در نهایت، برای جلوگیری از محرومیت از تجربه‌های محیطی لازم، بحث کاهش و تبدسب مجازات‌های تعزیری حبس ضروری است.

تأثیر اجتماعی کاهش کیفر تعزیری بر خانواده

خانواده‌های بزهکار به دلیل تأثیرات اجتماعی حبس متحمل فشارهای اجتماعی و شخصی هستند. در جوامعی نظیر ایران، برای دستیابی به اهداف اقتصادی و اجتماعی، نیاز به تحصیلات عالی و ورود به بازار کار است. اما خانواده‌های بزهکار به دلیل وضعیت مالی نامساعد خود، نمی‌توانند از این فرصت بهره‌مند شوند. اعضای این خانواده‌ها تحت فشارها و مشکلات مختلف قرار می‌گیرند، مانند مسئولیت‌های بیشتر در خانواده به علت زندانی شدن همسر یا مشکلات مالی. اگر راه‌حل‌های قانونی مناسب برای آنها فراهم نشود، ممکن است به راهکارهای غیر قانونی روی آورند تا به اهداف خود برسند. زنان بی‌مهارت اجتماعی و شغلی در معرض فشار بیشتری قرار دارند، زیرا ممکن است به سختی شغل مناسبی پیدا کنند. برای کاهش این فشار، نهادهای حمایتی باید بر روی ارتقاء مهارت‌های آنان تمرکز کنند. اهمیت این مسئله از آنجاست که تنها به اشتغال زنان مادر بستگی ندارد، بلکه رضایت شغلی آنها نیز نقش مهمی در زندگیشان ایفا می‌کند. زنان سرپرست خانوار نیز به دلیل غیبت همسر و مواجهه با دیدگاه‌ها و تهدیدات نامطلوب اجتماعی، در معرض فشارهای زیادی قرار می‌گیرند (*Biabangard, 1996:25*).

زندگی خانواده‌های بزهکار در حواشی شهر می‌تواند به فشارهای مضاعفی بر آن‌ها منجر شود. این خانواده‌ها با مشکلاتی همچون بیکاری، تراکم جمعیت، و عدم دسترسی به خدمات آموزشی، بهداشتی و پرورشی مواجه هستند که باعث می‌شود تا رسیدن به اهدافشان دشوار شود و ممکن است باعث ایجاد فشارهای روانی شدیدی مانند بی‌هویتی، احساس حقارت، برانگیختگی هیجانی، و نیازهای زودرس شود. این فشارها می‌تواند منجر به گرایش به بزهکاری شود. همچنین، فشارهای روانی ناشی از واکنش‌های کیفری بر خانواده‌های مرفه هم ممکن است باعث بزهکاری شوند؛ زیرا فشارهای اجتماعی می‌تواند شکافی بین اهداف و راه‌های مشروع دستیابی به آنها ایجاد کند. البته، باید توجه داشت که هر فشاری به بزهکاری نمی‌انجامد و بررسی اهداف و موقعیت شخصی اهمیت دارد (*Ahmadi, 2005; Rasoulzadeh, 2015*)؛ می‌توان در این موارد از تعلیق مراقبتی استفاده کرد. در استفاده از این روش پاسخ‌دهی، داغ ننگ ناشی از اِعمال مجازات حبس کاهش می‌یابد، زیرا بیشتر مجرمان هنگامی که با نظام عدالت کیفری مواجه می‌شوند و در این فرایند واجد عنوان «مجرم» و «جنایتکار» می‌شوند، از آن پس تحت این عنوان شناخته می‌شوند یا خود را با این عنوان می‌شناسند (Carter and Wilkins, 1976: 90). در نتیجه تعلیق مراقبتی برای بسیاری از مجرمین راه‌حلی مناسب جهت جلوگیری از زندانی شدن آنان و پیشگیری از تبعات

زیان‌بار زندان و نیز بازپروری اجتماعی موفّق آنان است. تردیدی وجود ندارد کار کردن با مجرم در اجتماع از طریق تعلیق مراقبتی مؤثّرتر از حبس او در زندان جهت بازپروری وی است (*Superk, 1992: 5*).

عدم نامطلوب پنداری قانون

بر اساس نظریه ساترلند، معاشرت فیزیکی با گروه بزهکار تنها عاملی برای یادگیری بزهکاری نیست، بلکه دیدگاه و نگرش این گروه نسبت به قانون است که نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. بنابراین، واکنش کیفری باید به گونه‌ای مدیریت شود که باعث تغییر باورها، ارزش‌ها و نگرش‌های بزهکار شود. محدودیت‌هایی مانند زندان ممکن است فرصت همنشینی خانواده با بزهکار را محدود کند، اما تا زمانی که افراد به دلیل فشارهای وارد شده از پاسخ کیفری دیدگاه مغرضانه‌ای نسبت به قانون داشته باشند، این محدودیت‌ها نمی‌توانند به‌عنوان مانعی برای بزهکاری اعضای خانواده عمل کنند. اما اگر نظام عدالت کیفری واکنشی معقول و منطبق با کرامت انسانی ارائه دهد، دیدگاه‌ها و نگرش‌ها نسبت به عدالت کیفری منعطف‌تر خواهند شد (*Mohebbi, 2016:24*). تدوین قوانین و اعمال جرم‌انگاری و تعیین مجازات، یک فرآیند پیچیده و چندجانبه است که تأثیرگذاری آن نه تنها بر بزهکاران بلکه بر نگرش جامعه مدنی به رویارویی با انحرافات و انجام عدالت قضایی تمرکز دارد. از دیدگاه جامعه‌شناسی کیفری، مجازات‌ها به‌عنوان پیام‌های هشداردهنده برای جامعه مطرح شده و حوزه اعتدالی‌بندی استانداردها و اجرای آن‌ها را از دیدگاه نظام حاکمیتی و جامعه مدنی بازتاب می‌دهد. کاستی یا تغییر مجازات حبس، با این که در راستای کیفرشناسی و کاهش تعداد زندانیان مطلوب است، باید آثاری منفی بر اثربخشی و عدم وقوع جرم نداشته باشد. به همین دلیل، ممکن است به نام "حداقل مجازات" آن اشاره شود. به علاوه، ماده ۱۵۶ قانون اساسی وظیفه مهمی را برای قوه قضائیه تعیین کرده است که باید گام‌های لازم را برای پیشگیری از وقوع جرم بردارد، با توجه به استانداردهای جرم‌شناسی و کیفرشناسی در ضابطه مدت و نوع مجازات. طرفداران حبس معمولاً به این دلیل ادعا می‌کنند که مجازات حبس، با در نظر گرفتن اهداف گوناگون مجازاتی، از جمله اثر محدودکننده و بازدارنده آن و همچنین از طریق قدرت آن در تغییر و اصلاح متجاوز، موازنه شده است (*Scott, 2007: 87*). استفاده از ظرفیت قرارهای نظارت قضایی، قرارهای تعلیق مراقبتی و کیفرهای تکمیلی می‌تواند به‌عنوان یک راهکار مؤثر برای فراهم کردن بستر مناسب برای تغییر باورها، ارزش‌ها و مهارت‌های فردی باشد. این دستورات به ارتقای سطح باورها، ارزش‌ها و مهارت‌های فردی کمک کرده و

تأثیرگذار در کاهش بزهکاری افراد می‌باشد. نکته‌ای که حائز اهمیت است، نحوه اجرای قوانین و تعامل مجریان آن با بزهکار و خانواده او است. برقراری یک تعامل عادلانه و کریمانه از سوی مجریان قانون می‌تواند تأثیر مثبتی بر فرایند تغییر باورها و ارزش‌های افراد داشته باشد و بزهکاری را کاهش دهد. بنابراین، اصول عدالتی و برخورد کریمانه مجریان قانون در تعامل با بزهکاران و خانواده‌هایشان، نقش بسزایی در افزایش یا کاهش بزهکاری افراد دارد. این نکته نشان می‌دهد که بسیاری از اقدامات و راهکارها برای کاهش جرم‌ها و ارتکاب بزهکاری، نه تنها باید بر اساس قوانین منصفانه باشند بلکه باید با توجه به تعاملات انسانی و تأثیر آنها بر انگیزه‌ها و اعمال افراد طراحی شوند (*Aliverdinia & Ramzyar, 2011:240*). ایجاد رابطه‌ای که این احساس را به بزهکار منتقل کند که شخص تحت نظارت، مراقبت و کمک دیگران است، دسترسی مراقب به منابع و ابزار مالی و خدمات محلّی برای کمک به فرد مورد نظر، دسترسی به مشاوران حقوقی و جز آن برای کمک و یا به‌کارگیری افراد تحت مراقبت نیز از جمله موضوعاتی هستند که قضات در هنگام اعمال دوره مراقبت باید به آنها توجّه داشته باشند (*Joanna, 2012: 43*).

بحث و نتیجه‌گیری

در این تحقیق با بررسی قواعد حاکم بر حقوق کیفری از خلال قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ۱۳۹۹ به تأثیرات اجتماعی آن برای فرد بزهکار، خانواده و اجتماع توجه شد و بر اساس اهداف و سؤالات تحقیق نتایج تحقیق چنین هستند. مهم‌ترین تحلیل اجتماعی درباره قانون کاهش مرتبط با اصل شخصی بودن پاسخ‌های کیفری است؛ زیرا مهم‌ترین معضلات اجتماعی پدید آمده از کیفر تعزیری محدود نبودن دایره تأثیرگذاری کیفر بر بزه‌کار است و از آنجا که آگاهی جامعه نسبت به این موضوع بیشتری فشار را بر خانواده تحمیل می‌گرداند تا حد امکان باید از وقوع آن پرهیز نماید. این موضوع همگام با نتایج تحقیقات کرامتی و عبداللهی (۱۳۹۶) و فینکلدی و دنیسون (۲۰۲۰) و تنوری (۲۰۰۲)، است که بیان می‌دارند با اصلاح قوانین و کاهش مجازات زندانیان، زندانیان بسیاری از زندان‌ها آزاد شده و اثرات مخرب حبس بر حوزه‌های اجتماعی نظیر خانواده، حقوق کاری و اقتصادی، و بی‌سرپرستی خانواده‌ها کاهش پیدا می‌کند. بر اساس این دیدگاه مجازات حبس، به‌ویژه در صورت حبس‌های کوتاه‌مدت، کمتر مؤثر از نظر اصلاحی و با انفعال از زیان‌ها و هزینه‌ها است و استفاده از مجازات‌های جایگزین مانند خدمات اجتماعی رایگان یا محرومیت از حقوق اجتماعی باید جایگزین حبس شود. از این‌رو که سطح تأثیرپذیری خانواده از تصمیمات قضایی

از طریق اعمال تدابیر مخففه و معاف‌کننده در قانون کاهش ۱۳۹۹ تأکید شده است این امر ضرورت می‌یابد که به وضعیت و شخصیت بزه‌کار و خانواده او برای سیاست‌های تخفیف توجه کرد. این موضوع با توجه به تأثیرات اجتماعی کیفر تعزیری بر مادران زندگی و خانواده زندانیان و نامطلوب پنداری قانون تحلیل شده است که همگام تحقیق علیوردی‌نیا و رمزیار (۱۳۹۰) و جوانا (۲۰۱۲)، است که بیان داشته‌اند نحوه اجرای قوانین و تعامل مجریان آن با بزهکار و خانواده‌اش بسیار اهمیت دارد. تعاملی عادلانه و کریمانه از سوی مجریان قانون می‌تواند تأثیر مثبتی بر فرایند تغییر باورها و ارزش‌های افراد داشته باشد و بزهکاری را کاهش دهد. این نکته نشان می‌دهد که اقدامات کاهش جرم‌ها و ارتکاب بزهکاری باید بر اساس قوانین منصفانه طراحی شده و همچنین با توجه به تعاملات انسانی و تأثیر آنها بر انگیزه‌ها و اعمال افراد مورد توجه قرار گیرد.

References:

Ahmadi, H.; Iman, M. T. (2005). "Culture of Poverty, Marginalization and Tendency to Criminal Behavior among Marginalized Youth of Deh Piyaleh in 2004", Applied Sociology, Issue 19, Fall and Winter, pp. 118-99. (Persian).

Alivardinia, A.; Ramzyar, M. (2011). "The Role of Structures and Processes within the Family in Student Delinquency', Political-Economic Information, Issue 285, Autumn, pp. 249-238. (Persian).

Ardebili, M. A. (2019). General Criminal Law, Tehran: Mizan Publishing House. (Persian).

Ashouri, M. (1998). Criminal Procedure Code, Tehran: Samt.

Barak, L. (2017). Developmental Psychology (From Conception to Childhood), Vol. 1, Translated by Yahya Seyed Mohammadi, Sixth Edition, Arsbaran Publishing House. (Persian).

Biyabangard, E. (1996). "Investigation of the effects of father deprivation and the nature of the mother-child relationship", Educational Sciences, No. 110, Summer 1996, pp. 29-22. (Persian).

Carter, Robert M.; Ieslic T., Wilkins. (1976). Probation, parole and community correction, New York, par Pubishers.

Champion, Deany. (1988). Felony probation, New York, praeger publishers.

Cradwell, M. G. (1951). Review of a new type of probation study made in Alabama, Federal probation.

Crowe, Ann H, Linda Sydney, Pat Bancroft, Beverly Lawrence. (2001). Offender Supervision with Electronic technology, A Users Guide, American Probation and parole Association, 2002, Gray, K, Inmates teachers come with each detrital free press.

Davis, S. (1992). survey, number of offenders under intensive probation, increases: Corrections compendium, Lincoln, Nebraska, CEGA publishing.

Fallahi, A. (2018). "Reduction of Punishment in Islamic Law 92", Journal of Judicial Law, Volume 82, Issue 102. (Persian).

Farnoosh, F.; Hosseinai, A.; Bahrami, M. (2016). "The Prevalence of Personality Disorders and Its Relationship with Attachment Style in Clients to Tehran Psychological Clinics",

Quarterly Journal of Cognitive Sciences, Year 18, Issue 2, Summer, pp. 51-50. (Persian).

Finkeldey, J. G.; Dennison, C. R. (2020). "Multilevel Effects of Parental Incarceration on Adult Children's Neighborhood Disadvantage", Social Problems 67: 113-130.

Ghaemi, A. (1987). Family and Children's Needs, First Edition, Shafaq Publishing, Summer. (Persian).

Hosseini Nik, S. A. (2015). Collection of Criminal Laws, Tehran: Majd Scientific and Cultural Association. (Persian).

Jafari, M. (2017). Legal Solutions for Reducing the Criminal Mass of Prison, Tadbir Publishing, Tehran. (Persian).

Joanna, Sh.; Bottoms, A.; Farrall, S.; Priede, C.; Robinson G. (2012). The quality of probation supervision, Center For criminological Research, University of Sheffeld.

Karamati, M.; Abdollahi, S. (2017). Necessities of Criminalization in Family Law with Emphasis on Preserving Family Unity, Qom: Navid Hekmat Publications. (Persian).

Mohebbi, Y. (2016). Investigation of Criminal Factors Affecting Divorce in Qazvin Province from 2011 to 2014, Master's Thesis in Family Law, Shahrivar. (Persian).

Nellie, M. (1991). "the electronic monitoring of offenders in England and wales", British journal of criminology.

Rasoulzadeh Aghdam, S.; Jafari, Gh.; Saadati, M.; Yousefi Aghdam, R. (2015). "Sociological study of the contribution of structural factors and social learning in juvenile delinquency in the marginal areas of Tabriz", Social Sciences, Urban Sociological Studies, Year 6, Issue 17, Winter, pp. 178-143. (Persian).

Scott, D. (2007). "The Changing face of the prison in England: A Critical Review of the Aims of Imprisonment", In Handbook of Prisons. Edited by Y. Jewkes. Abingdon, Oxford: Routledge.

Seif, S.; Kadivar, P.; Karami Nouri, A.; Lotfabadi, H. (1991). Developmental Psychology, Organization for the Study and Compilation of Humanities Textbooks of Universities (SAMAT), Center for Research and Development of Humanities, First Edition, Autumn. (Persian).

Tadayon, A. (2008). “Electronic Monitoring: A Step Towards Prison Alternatives”, Journal of Justice Law, New Volume, No. 64. (Persian).

Tonry, M. (2002). Community Penalties in the United States in, Albecht, Hans Jorg; Kaiser Gunther; Community Sanctions and Measurs in Europe and North America. Freiburg/Breisgau: EU. iuscrim Max-planck-Inst.

Sociological Analysis of the Rules Governing Ta'ziri Punishment with an Emphasis on Criminal Sentences in 2020

Elham Ghomi[1], *Parviz Zokaeian (Ph.D)*[2], *Ali Ghorbani (Ph.D)*[3]

DOI: 10.22055/qjsd.2025.47158.2961

Abstract:

Tazirat is one of the four types of punishment in Islamic criminal law. Punishment is always a subject of discussion because it spreads to various social issues. One of the most important new achievements in the direction of reducing the harmful effects of imprisonment on the society in two ways: reduction and replacement of imprisonment, changes in the law were approved in 2019. This research has reached the conclusion by descriptive analytical method and by using library resources that the Law of Reduction of 2019 regarding the application of criminal partnerships with other laws does not have a specific and coordinated strategy in the legislative policy of Iran and in this sense for the application of these partnerships in terms of Structural, software and hardware defectsAnd there are obstacles, but with the application of this law, tangible effects will be created in reducing the current criminal population and subsequent rulings, which will remove many of the harmful social effects of punishment for the individual, family, and society.

Key Concepts: *Penalty, Governing Rules, Decriminalization, Law on Reducing Penalty of Imprisonment, Approved in 2020*

[1] PhD Student in Criminal Law and Criminology, Department of Law, Chalus Branch, Islamic Azad University, Chalus, Iran, elham.ghomi67@gmail.com

[2] Assistant Professor, Department of Law, Chalus Branch, Islamic Azad University, Chalus, Iran (Corresponding Author), pzokaiyan59@gmail.com

[3] Assistant Professor, Department of Law, Chalus Branch, Islamic Azad University, Chalus, Iran, agt1350@gmail.com

© 2019 by the authors. Licensee SCU, Ahvaz, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/).